

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نرسائی گری در سوریه

سیدعلی نجات

با مقدمه دکتر قدیر نصری



پژوهشگاه مطالعات راهبردی
پزشکی

سرشناسه: نجات، سیدعلی، ۱۳۶۶ -
 عنوان و نام پدیدآور: نوسلفی گری در سوریه / نویسنده سیدعلی نجات؛ با مقدمه قدیر نصری.
 مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۴ص.
 فروست: علوم سیاسی؛ ۱۷۹. روابط بین الملل؛ ۷.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۲-۹۴-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه، ص. [۲۳۱] - ۲۴۶.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: سلفیه - سوریه
 موضوع: Salafism - Syria
 موضوع: سلفیه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
 موضوع: Salafism - Apologetic works
 شناسه افزوده: نصری، قدیر، ۱۳۸۰ - مقدمه‌نویس
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ / ان ۷۰۷ / BF
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۴۱۲۷

نوسلفی گری در سوریه

نویسنده: سیدعلی نجات
 ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
 شمارگان: ۲۰۰ جلد
 ویراستار: امین پرتو
 طرح جلد: ملیحه کربلایی
 صفحه‌آرایی: مرضیه خطیبی
 چاپ: برتر
 قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۲-۹۴-۸

* تلفن: ۸۸۹۱۲۸۳۰ * فکس: ۸۸۸۹۶۵۶۱
 * تلفکس انتشارات: ۸۸۸۰۲۴۷۶ * روابط عمومی: ۸۸۸۰۲۴۷۷

* نشانی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر شرقی، شماره ۷
 * صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹ * پست الکترونیک: info@risstudies.org

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است

فهرست مطالب

۵	سخن ناشر
۷	مقدمه
۱۲	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: چارچوب نظری
۱۷	مقدمه
۱۸	۱. چیستی و هستی مفهوم گفتمان
۱۹	۲. شکل‌گیری نظریه تحلیل گفتمان و تحول مفهومی آن
۲۰	۳. انواع تحلیل گفتمان
۲۱	۴. روش‌شناسی تحلیل گفتمان
۲۲	۵. مفاهیم و مؤلفه‌های اساسی نظریه گفتمان لاکلا و موف
۲۶	۶. نوسلفی‌گری به مثابه گفتمان
۳۷	نتیجه‌گیری
۳۹	فصل دوم: سیر تکوینی گفتمان نوسلفی‌گری
۳۹	مقدمه
۴۰	۱. سلفیه در لغت و اصطلاح
۴۲	۲. تبارشناسی نوسلفی‌گری
۸۱	۳. گفتمان نوسلفی‌گری
۸۸	نتیجه‌گیری
۸۹	فصل سوم: تبارشناسی نوسلفی‌گری در سوریه
۸۹	مقدمه
۹۰	۱. ریشه‌های گفتمان سلفی‌گری سوریه در قرن بیستم
۹۶	۲. اخوان‌المسلمین سوریه و سلفیه جهادی
۹۸	۳. جنبش‌های جهادی سوریه در دهه ۱۹۸۰
۱۰۱	۴. جنبش‌های جهادی سوریه بعد از دهه ۱۹۸۰
۱۰۲	۵. اخوان‌المسلمین و بحران ۲۰۱۱ سوریه
۱۱۱	۶. حمله آمریکا به عراق و آغاز گفتمان نوسلفی‌گری در سوریه
۱۱۴	۷. بحران ۲۰۱۱ و آغاز مهاجرت جنگجویان جهادی خارجی به سوریه
۱۱۵	۸. تابعیت جنگجویان عضو گروه‌های نوسلفی سوریه

۱۲۱	۹. نقش فتاوی علمای سلفی در جذب جنگجویان خارجی به سوریه
۱۲۴	نتیجه گیری
۱۲۵	فصل چهارم: گروه های نوسلفی فعال در سوریه
۱۲۵	مقدمه
۱۲۶	۱. جبهه النصره
۱۲۷	۲. دولت اسلامی عراق و شام (داعش)
۱۷۱	۳. جبهه اسلامی
۱۸۶	۴. جیش الفتح
۱۹۸	۵. وجوه تشابه و تفاوت گروه های نوسلفی سوریه
۲۰۲	نتیجه گیری
۲۰۳	فصل پنجم: عوامل ثبات و تزلزل گفتمان نوسلفی گری در سوریه
۲۰۴	مقدمه
۲۰۶	۱. دلایل رشد و ثبات گفتمان نوسلفی گری در سوریه
۲۱۴	۲. دلایل تزلزل و بی قراری گفتمان نوسلفی گری در سوریه
۲۱۹	۳. گفتمان نوسلفی گری و جرات شکنی
۲۲۰	نتیجه گیری
۲۲۱	نتیجه گیری و یافته ها
۲۲۱	کتابنامه
۲۴۷	ضمیمه اول: معرفی فرماندهان نظامی - سیاسی گروه های نوسلفی سوریه
۲۵۲	ضمیمه دوم: مناطق تحت تصرف ارتش سوریه و گروه های نوسلفی
۲۵۷	نمایه

سخن ناشر

جریان‌های سلفی در سال‌های اخیر نقش بسیار مهمی در تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای ایفا کرده‌اند و روندی که اکنون با آن‌گر این واقعیت است که تا حدود زیادی در حال تقویت بوده، در قالب‌های متفاوتی بروز کرده، شبکه‌های تروریستی آن‌ها امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز با تهدید مواجه می‌سازند. جریان‌های مزبور که در طول دهه‌های گذشته مورد سرکوب قرار گرفته و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان محدود شده بود، متعاقب انقلاب‌های عربی در قالب بازیگرانی فعال در صحنه ظاهر شد و به نوسازی تشکیلاتی پرداختند که بارزترین نمود این فعالیت‌ها اکنون در سوریه به چشم می‌تورد. اسلام‌گرایان سلفی جهادی که فعالیت‌شان در سال‌های گذشته توسط دولت سوریه محدود شده بود، با استفاده از فرصت پیش آمده در تحولات و اعتراضات داخلی در سوریه که به دلیل مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به معضلی پیچیده تبدیل گردید، به سازمان‌یابی و گسترش فعالیت‌شان دست زدند. ورود افراد و گروه‌های پیکارجو از کشورهای مختلف و تشکیل گروه‌های جهادی متعدد نیز اوضاع را پدید آورده است.

اکنون بیش از پنج سال از آغاز بحران سوریه گذشته و گروه‌های مختلف نوسلفی داخلی و خارجی در منازعات این کشور نسبت به گروه‌های دیگر نقش قابل توجهی پیدا کرده‌اند. گروه‌های مزبور اهداف، اعتقادات، انگیزه‌ها و خواسته‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند. داعش، هدف خود را سرنگونی بشار اسد و تشکیل دولت اسلامی در سراسر سرزمین‌های اسلامی اعلام کرده، در حالی که سایر گروه‌ها سرنگونی نظام سوریه و برپایی دولت اسلامی مطابق با اصول نوسلفی‌گری را به عنوان هدف خود اعلام کرده‌اند. اقدامات گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه نه تنها باعث پیچیدگی، تشدید و تداوم بحران در این کشور است، بلکه این گروه‌ها به دلیل مخالفت شدیدشان با تشیع، به گسترش جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی و تسری آن به فراسوی مرزهای سوریه نیز دامن زده‌اند. حاکمیت نظام مبتنی بر آموزه‌های تشیع در ایران از یک سو، و حمایت ایران از حاکمیت

قانونی بشارت از سوی دیگر، زمینه خصومت شدید گروه‌های نوسلفی با ایران را فراهم آورده است؛ به طوری که در اغلب موارد، جنگ داخلی در سوریه را تحت عنوان جنگ نوسلفی‌ها علیه نظام علوی سوریه، جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان تلقی کرده‌اند. از همین روست که مطالعه جوانب مختلف شکل‌گیری و فعالیت جریان‌های نوسلفی در سوریه می‌تواند نقش قابل توجهی در طرح‌ریزی نظام امنیتی ایران ایفا نماید.

با توجه به نکات مذکور، کتاب حاضر با هدف بررسی ریشه‌های گفتمان نوسلفی‌گری سوریه، شناسایی گروه‌های فعال نوسلفی در این کشور، تحلیل ماهیت، ساختار تشکیلاتی، اهداف و راهبردهای این گروه‌ها و واکاوی دلایل ثبات و تزلزل گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه نگاشته شده است.

پژوهنده مطالعات راهبردی لازم می‌داند ضمن تقدیم اثر حاضر به علاقمندان، از پژوهشگر و نویسنده جوان کتاب، آقای سیدعلی نجات و نیز از آقای دکتر قدیر نصری به خاطر نگارش مقدمه روشنگر کتاب تقدیر و تشکر نماید. امید است کتاب حاضر بتواند سهمی در آگاهی‌بخشی به سیاست‌گذاران و جامعه دانش‌بنی کشور ایفا نماید.

معاون پژوهشی

هفتم

ایدئولوژی هویت

در سپتامبر ۲۰۱۶، علاوه بر حدود ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت ۲۴ میلیون نفری کشور سوریه در اثر جنگ داخلی پنج، هاله غیر کنه شده‌اند. قریب به هشت میلیون نفر از این تعداد، یعنی از هر سه نفر یک نفر، منزل و مرصه خود را ترک گفته و پناهنده اردن، ترکیه، عراق، لبنان، آلمان و باقی کشورهای اروپایی شده‌اند. طی مدت پنج سال، یعنی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، حدود ۶۰۰۰۰ نفر در زندان‌ها و در اثر گرسنگی و شکنجه، جان باخته‌اند. از ۱۹ قدرت مهم و مؤثر به صورت آشکار و پنهان در سوریه نیرو دارند و مساحت ۱۸۵ هزار کیلومتر مربعی سوریه بین ده‌ها گروه مسلح تقسیم شده است. در بعضی مناطق استراتژیک مانند شهر حلب، استان کوه‌های شهر را نیز بین خود تقسیم کرده‌اند و شش نیروی اساسی یعنی ارتش دولتی، گروه داعش، فتح الشام یا النصرة سابق، ارتش آزاد، حزب الله لبنان، احرار الشام، جیش الاسلام و ده‌ها گروه دیگر، در این منطقه‌ای از این کشور را تحت تصرف خود دارند. تعداد قابل توجهی از خانواده‌های سوری متلاشی شده و ده‌ها هزار نفر از انسان‌های ترسیده و تنها و کین‌توز که به زعم خودشان از سوی جهانیان فراموش شده‌اند، لحظه به لحظه روان خود را به حادثه مرگ و شکنجه وا گذاشته‌اند. اصلی‌ترین قدرت‌های نظامی داعش، یعنی آمریکا و روسیه، غنی‌ترین کشورهای نفتی و گازی جهان یعنی عربستان سعودی و قطر، سرآمدان منطقه مهم خاورمیانه یعنی ایران و ترکیه، انواع گروه‌های صاحب تجربه در نبرد نظامی، چریکی و شهری مانند حزب الله، ی.پ.گ و بالاخره مخوف‌ترین و جهانی‌ترین گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش در امور سوریه دخیل شده و آینده سوریه را به ملاحظات استراتژیک خود گره زده‌اند. در خصوص ریشه‌ها و روندهای بحران سوریه، متن‌های بسیاری تولید شده است. اکنون که از پی عید قربان ۱۳۹۵، آتش‌بسی شکننده در سوریه مصیبت‌زده برقرار شده و طرفین دعوا با علم به غیرقابل حذف بودن رقیب، تن به آتش‌بس داده‌اند، بهتر است درس‌های حاصله از این نبرد سنگین را با هم مرور کنیم. به عبارت دیگر، بهتر است به جای روایت گذشته یا پرداخت ژورنالیستی نبرد در سوریه، به گزارش درس‌هایی بپردازیم

که از این تجربه‌های بسیار تلخ حاصل آمده است. به نظر می‌رسد هفت درس زیر را می‌توان از تراژدی اسف‌بار سوریه امروز به دست داد که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:

درس یکم: امنیت پایدار = مشروعیت سیاسی + اقتدار نظامی

نگاهی به روند بحران‌های اخیر در شش کشور تونس، مصر، سوریه، یمن، عراق و لبنان نشان می‌دهد در این منطقه از جهان (غرب آسیا) امنیت ملی هنگامی پایدار می‌شود که اولاً، مردم حکمرانی را حق حکام بدانند و همگان در انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن آزاد باشند و ثانیاً، به دلیل طغیان‌گری و نظم‌شکنی، رخ‌پروهای داخلی و خارجی، لازم است دولت مرکزی از نیروی نظامی، استحکامات نظامی بازدارنده و پلیس، آمدی برخوردار باشد. هرگاه یکی از این دو نباشد یا محدود باشد، امنیت ملی، ناپایدار و شکننده می‌شود. یعنی به محض ظهور نیروی جدید در داخل یا معارضه‌جویی نیروی دیگر در خارج از مرزها، جامعه از ثبات و آرامش و نظام سیاسی مخدوش می‌شود. با نگاهی به تجربه کشورها در دهه منتهی به سال ۲۰۱۷، به راحتی می‌توان توضیح داد که دولت معمر قذافی در لیبی و حسنی مبارک در مصر، به رغم هژمونی نظامی در داخل، به دلیل کسری مشروعیت سیاسی، از جانب جامعه رها شدند. دولت در لبنان به رغم داشتن مشروعیت سیاسی، دموکراتیک، همواره شکننده و نفوذپذیر است، برای اینکه فاقد ارتش مقتدر و پلیس کارآمد است. در موضوع مورد مطالعه این نوشتار، متأسفانه دولت بشار اسد اصل مشروعیت سیاسی را آن‌گونه که ضرورت داشت در دستور کارش قرار نداد. فراموش و طردشدن بخش مهمی از جامعه، آنان را در معرض ناامنی و تروریست‌ها قرار داد.

درس دوم: خطر فروپاشی نظام سیاسی = آسیب‌پذیری + تهدید خارجی

هر نظام سیاسی به سان انسان، در معرض انواع عوارض داخلی و عوامل خارجی قرار دارد. همان‌طور که یک فرد مبتلا به بیماری سرطان، رفته رفته ایستادگی و تحرک را از دست می‌دهد و نهایتاً به واسطه اختلال بیرون بر زمین می‌افتد، نظام‌های سیاسی نیز که آسیب‌های داخلی مداوم و مختلفی دارند با شروع حمله خارجی، فرو می‌ریزند. نکته استراتژیک این است که کدام آسیب داخلی، حیاتی است و زمینه را برای فروپاشی در برابر تهدید خارجی مهیا می‌کند. متأسفانه سیستم‌های متماثل به استبداد، جامعه را یکدست و مطیع می‌خواهند تا متنوع و منتقد. اینجا دقیقاً نقطه شروع علم سیاست است. علم سیاست به حکمرانان می‌آموزد که جامعه را به گونه‌ای هدایت کنند که نه یکدست و مطیع باشد و نه گسسته و برانداز. بدیهی است هر معضل اجتماعی-سیاسی را نمی‌توان امنیتی دید، ولی بسیاری از معضلات امنیتی، راه حل اجتماعی و سیاسی دارند. جامعه ضعیف، ناراضی و مطرود، علی‌الأصول تحریک‌پذیر است. این تحریک‌کننده ممکن است سرویس امنیتی خارجی باشد یا یک مبلغ تکفیری که عملیات انتحاری را راهی آنی برای ملاقات پیامبر (ص) و حوریان منتظر جامی زند و مخاطب تهی از تأمل خویش را مسحور و سپس منفجر می‌کند.

درس سوم: تطویل بحران = تعدد قدرت‌های دخیل + تعارض منافع عمیق

وقتی دولتی فرومانده است و با انواع بحران‌های نفوذ و کارآمدی دست و پنجه نرم می‌کند، قدرت‌های گوناگون خارجی، فضاها را برای مداخله و تحریک نیابتی مساعد می‌بینند. به طبع، مناطقی ارزش مداخله و سرمایه‌گذاری دارند که استراتژیک باشند، یعنی به بقای حیات مداخله‌گران کمک کنند. در حال حاضر، میدانی مانند سوریه برای بسیاری از قدرت‌ها جذاب و وسوسه‌انگیز است؛ زیرا همسوسازی سوریه یا تصاحب آن از سوی قدرت رقیب، روی منافع حیاتی بازیگران خارجی تأثیر حتمی دارد. قدرت‌هایی مانند روسیه، آمریکا، ترکیه، عربستان سعودی و قطر، رژیم صهیونیستی، اسرائیل، عراق، اردن، لبنان (حزب‌الله)، ایران، فرانسه، انگلستان، چین و برخی بازیگران دیگر همگی این حوزه را می‌خواهند. دارند که ممکن است میدان مناسب سوریه، به تصاحب رقیبشان در بیاید. از این رو، تله یا پل یخیده‌شده هر منطقه‌ای، اصولاً آن را اعتبار می‌بخشد و مناطق استراتژیک به نحوی اسیر اعتبار خود می‌شوند. در میان امر، مسائل کشور را به صورت خودکار، بین‌المللی می‌کند.

علاوه بر تعدد نیروها، تطویل، رتبه تعارض آن هم مهم است. اصولاً هرچه درجه تعارض پایین‌تر باشد، احتمال مصالحه بیشتر است و بالعکس. به عنوان مثال، قدرت‌های بزرگ جهانی با سرعت و سهولت بیشتری در مورد «اصولاً صابن» میراث بشری در حوزه فرهنگ‌ها، به مصالحه می‌رسند، اما مصالحه در مورد بحران‌هایی مانند سوریه، اشغال کویت (در سال ۱۹۹۰) یا بحران فعلی یمن، این گونه نیست. بنابراین، هرچه تعداد قدرت‌های دخیل در بحران بیشتر باشد و درجه تعارض آنها بالاتر باشد، تداوم آن بحران و شکنندگی ثبات، تدریجاً قطع می‌شود. نمونه زنده این قاعده سوریه فعلی است. جان کری وزیر امور خارجه دولت اوباما در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۶ گفت: من در طول چهل سال کار در دستگاه دیپلماسی، هرگز بحرانی به پیچیدگی سوریه ندیده‌ام.

درس چهارم: دموکراسی کیفی و بحران کاه = آگاهی اجتماعی + آزادی مدنی رأی‌دهندگان

دموکراسی معنادار و کیفی در مقابل دموکراسی عددی یا کمی قرار دارد. دموکراسی یا آزادی مردم در تعیین سرنوشت خود، هنگامی می‌تواند موجب ثبات و رفاه شود که رأی‌دهندگان نسبت به عواقب انتخاب خود آگاه باشند. در دنیای امروز، این رسانه مستقل و متنوع و سهل الوصول است که به صورتی سنجیده افراد را کمک می‌کند تا ترجیحات خود را تنظیم نمایند. با اینکه بسیاری از رسانه‌ها، انتخابات و ترجیحات رأی‌دهندگان را شکل می‌دهند، اما در جمع‌بندی کلی، مضرات رسانه‌های پرتعداد بسیار کمتر از ساختارهای تک‌صدایی است. در غیاب صداهای دیگر، ساکنان یک مملکت، خود را «قبله عالم» می‌دانند و ضعف‌های خود را طبیعی می‌شمارند. در کنار آگاهی که به مدد رسانه حاصل می‌شود، آزادی از نیازهای غریزی اولیه نیز بسیار مهم است. آزادی مؤثر نیز به مدد تشکلهای مدنی مانند احزاب سیاسی یا جامعه مدنی پویا و چندقطبی حاصل می‌شود.

تشکل های مستقل مدنی به رأی دهندگان کمک می کنند طعمه رسانه های پر زرق و برق و پیچیده نشوند و بتوانند اراده خود را به صورتی آشکار و استوار ابراز نمایند.

گفتنی است در غیاب آزادی و آگاهی، برقراری دموکراسی توده ای به مراتب از اقتدارگرایی بدتر است. در نظام اقتدارگرا (مانند وضعیت فعلی قطر، کویت و عموم کشورهای جنوب خلیج فارس)، حکومت ها در قبال برقراری انبساط اجتماعی، انقباض سیاسی نهادینه ای را برقرار کرده اند و حرص انتخاب، جامعه را وسوسه نمی کند. مردم و سازمان های شبه مدنی در این کشورها می دانند که قرار نیست تحول سیاسی مهمی رخ دهد. در دموکراسی های جاافتاده ای مانند انگلستان هم، این آگاهی وجود دارد که برای نصف به اضافه یک جامعه می تواند کشور را از اتحادیه اروپا خارج سازد، اما در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته، دموکراسی شده اند، تمرین سیاسی بسیار دشوار است؛ زیرا آگاهی اینان در دام گذشته سنت ها است و آزادی شان نیز محصور در نیازهای غریزی شده است.

درس پنجم: مداخله پنداری خارجی = رانت اقتصادی + رانت ژئواستراتژیک

رانت یا همان درآمدی که به صورت ناگهانی و بدون زحمات متعارف در کارهای تولیدی، به دست می آید به دو نوع است: رانت حاصله از فروش مواد خام مانند نفت، گاز، قهوه، پنبه و سایر فرآورده هایی که طبیعی اند، یعنی کسی در خلق آنها نقشی نداشته و این منابع، به صورت خدادادی در طبیعت موجودند. این نوع از رانت معمولاً از سوی حکومت ها و به صورت خام به شرکت های خارجی فروخته می شود و درآمد قابل توجهی در اختیار دولت های رانتیر قرار می دهد. چنین درآمادی، می شود سه اتفاق مهم زیر رخ نماید:

- اولاً، مجتمع های بزرگ تجاری صنعتی دنیا به مواد خام صادر از سوی دولت رانتیر وابسته شده، هوادار ثبات در کشور صادرکننده می شوند.

- ثانیاً، دولت رانتیر، درآمدهای حاصله را در گام اول برای ایجاد ثبات داخلی و موارد امنیتی هزینه می کند. تجربه نشان می دهد دولت های رانتیر برای حفظ منبع درآمد خود، تمامی پروری کرده و گروه هوادار خود در داخل را به صورتی ویژه حمایت می کنند تا در مواقع بحرانی امنیتی وظیفه کنند.
- ثالثاً، وقتی حکمرانی در مناطق رانتیر، امتیازات مهم و زیادی دارد، اپوزیسیون یا گروه برانداز نیز سودای حکومت می کند، یعنی گروهی حاضرند مناصب لبریز از امتیاز و برخورداری را از آن خود نمایند. بنابراین، حساسیت دولت رانتیر نسبت به تحرکات اجتماعی، عمیقاً امنیتی است.

در عین حال، نوع دیگری از رانت هم وجود دارد که غیر اقتصادی بوده و به موقعیت ژئواستراتژیک واحد سیاسی مربوط می شود. کشوری مانند یمن، از نگاه عربستان سعودی موقعیت ژئواستراتژیک دارد و حکام سعودی حاضرند کمک های ویژه ای (رانت) به حکمرانان همسوی خود در صنعا بپردازند. سوریه نیز این گونه است، یعنی حکومت دمشق به واسطه موقعیت جغرافیایی کشور (همسایگی با اسرائیل، همجواری با دریای مدیترانه، لبنان، عراق، ترکیه و ...) برای بسیاری از قدرت های منطقه ای

و فرمانطقه‌ای جذاب و قابل سرمایه‌گذاری است. به طبع، هیچ یک از قدرت‌های مزبور مایل نیستند دمشق به پایتخت نیروهای ناهمسو و مخالف بدل شود. این قبیل نگرانی‌ها سبب می‌شوند بازیگران پرتعدادی در سوریه مداخله و برای تضمین نفوذ خود در این منطقه ژئواستراتژیک هزینه کنند.

درس ششم: ایدئولوژی هویت = حضور فعال گذشته در اکنون + حاملان فعال گذشته

در کشورهای گوناگون خاورمیانه که هر از گاهی شاهد مناسک دموکراتیک هستیم، با واژه‌های غربی می‌توانیم رأی قومی، رأی عشیره‌ای، رأی مذهبی و سایر رأی‌هایی که به فرمان هویتی ازلی^۱ به صندل‌ها بسته می‌شوند. این قسم انتخاب‌ها، محصول دو فرایند هستند: اولاً، گذشته و سوانح حادث در روزگاران کهن، اکنون و آینده را خفه کرده، اجازه تأمل به آن نمی‌دهد و آن را در خط مستقیمی به پیش می‌راند. ثاباً، طبق طبقاتی هم هستند که نگرانیان گذشته در اکنون هستند و از رهگذر صیانت از گذشته منتفع می‌شوند. حرکت، سلفیسم، امروزه ایدئولوژی قدرتمندی است که هر تصمیم و تحول ضد گذشته را نفی و آیند را ظرفیتش کند بر صراط گذشته‌ای نورانی و الهی حرکت نماید. بنابراین، آنچه گذشته را سرزنده نگه می‌برد، ساس و میراثی است که بازتولیدکننده مفاهیمی مانند خلافت، بیعت، امت، تکفیر و مانند آنهاست. عهده بر این، طاقه‌ای هم وجود دارد که با جمع‌آوری مخالفین وضع موجود و کسانی که به هر ترتیب حاضر شده‌اند و یا مغضوب رنده‌های جاری هستند، تلاش دارد جراحات‌های امروز و دغدغه‌های آینده را با ارجاع به گذشته‌ای غیرواقعی یا فراواقعی درمان کند. در چنین بافتاری، شروع سازوکارهای دموکراتیک نه بی‌مخاطره و تله است. از یک سو، نیروهای دموکراسی خواه به اندازه گذشته‌گرایان (مثلاً سلفی‌گرایان) سرگشته و انگیزه دارند و از سوی دیگر، انتخاب مدنی مستلزم اندیشیدن و انتخاب انفرادی و منهای دترتاری جمعی (مانند هویت گروهی و ...) است. بر این اساس، در منطقه مورد بررسی ما، انتخابات هم نوعی حادثه و مخاطره است؛ برای اینکه بسیاری از طرف‌های درگیر، مکانیسم دموکراتیک را معارف حق و باطل می‌شمارند و ترجیحات خود را نه با توجه به آینده که به حکم گذشته تنظیم می‌کنند. اینجاست که هویت، بدل به ایدئولوژی می‌شود و فضیلت مدنی جای خود را به همبستگی بدوی^۲ می‌سپارد.

درس هفتم: حجم خشونت = فعال بودن باورهای توجیه‌گر + تراکم مطالبات (کین توزی) + امید به پیروزی

تد رابرت گر در کتاب کلاسیک خود (چرا انسان‌ها شورش می‌کنند) که حدود سه دهه پیش نوشته، ده‌ها عامل مؤثر در تشدید خشونت را فهرست کرده است، اما او اشتباه می‌کند! ردیف کردن ده‌ها عامل که موجب خشونت می‌شوند راه به جایی نمی‌برد. آنچه در کار او غایب است، وزن یا جایگاه

1. Primordial

2. Primitive

- تعیین کننده بعضی مؤلفه‌هاست. به نظر می‌رسد در مورد سوریه، حجم خشونت تابعی است از:
۱. باورهای توجیه‌گر که شکنجه و سلاخی مخالفین را اجرای عدالت راستین می‌شمارد و کشته‌شدن را نوعی رهایی و سعادت می‌بیند.
 ۲. برآورده‌نشدن مطالبات و کین‌توزی^۱ متراکم نیز عنصر بسیار مهمی است که مغضوبین و مطرودین را به سوی خشونت سوق می‌دهد. دسترسی آسان به سلاح‌های پیشرفته و فروریزی اقتدار دولت مرکزی، حس انتقام را تشدید می‌کند.
 ۳. امید به پیروزی، سومین مؤلفه‌ای است که نشان می‌دهد حکومت / معارضین، بنا به دلایل مختلف در توان به رزم می‌برند و یکی مقهور دیگری نیست. هرگاه پتانسیل‌های سخت و نرم به نفع یکی از طرفین (دولت / معارضین) باشد، شدت خشونت کمتر خواهد شد، اما در سوریه کنونی که هر کدام از طرفین مستظلم به پشتیبانی قدرت‌های خارجی و خوشه‌های داخلی هستند و بی‌حرکی فعلی را موجب خرابی و ردمت می‌شمارند، از خشونت‌ورزی عریان و فزاینده ابایی ندارند.
- از این رو، درس مهمی که می‌توان آموخت این است که اگر ایدئولوژی رهایی‌بخش (مانند مذهب)، توجیه‌گر کشتار باشد، اگر گروه‌ها با فاعل طغیان‌گر مطالبات معوقه فراوان داشته باشند و اگر پیکارجویان شورشی، جبهه مخالف را در مسیر قبول و زوال ببینند، آنگاه بر شدت خشونت‌ها افزوده خواهد شد. در میدان سوریه امروز، ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم، سلفیسم تکفیری، ناسیونالیسم قومی و مذهب برگزیده، توجیه مورد نیاز برای خشونت‌کاری را مهیا ساخته‌اند. علاوه بر این، میلیون‌ها نفر از افرادی که مطالبات معوقه در حوزه‌های اقتصادی، هویتی، سیاسی و فرهنگی دارند، گمان می‌کنند موعد انتقام فرا رسیده است. این بحران با پدیداری امید، شدت بیشتری می‌یابد. معارضین حمایت‌آمیز ایالات متحده در خصوص کردهای سوریه به آنان امید و جرأت داد خود را از حوالی قامشلی در مرق فرات به حدود دریای مدیترانه برسانند! چنین امیدی، هیچ وقت در تقویم حیات کردهای سوریه نبوده است. حمایت‌های ترکیه از ارتش آزاد، حمایت روسیه از دولت مرکزی، حمایت عربستان از غالب معارضین و بسیاری موارد دیگر، بذر امید را در دل طرف‌های تعارض پاشیده و همین امید، توسل به خشونت را گریزناپذیر کرده است.
- در چنین فضایی، کتاب «نوسلفی گری در سوریه» که به قلم آقای سیدعلی نجات نگاشته شده، متنی روشنگر و لبریز از داده‌ها، گزارش‌ها و تحلیل‌های ارزشمند است و امید می‌رود با خوانش این قبیل متون بتوان به شناختی آکادمیک و غیراحساسی از تحولات جاری و آتی این منطقه کشمکش‌پرور دست یافت.

قدیر نصری

دانشیار اندیشه سیاسی؛ دانشگاه خوارزمی

پیشگفتار

یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر نقش به‌سزایی در تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای ایفا کرده و هر روز بر دامنه نفوذ آن افزوده می‌شود، جریان نوسلفی‌گری است. با وقوع انقلاب‌های عربی در خاورمیانه و شعله‌ور شدن آن، جریان‌های اسلام‌گرای سلفی که سال‌ها مورد سرکوب قرار گرفته بودند و زمینه فعالیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از آنان سلب شده بود، به‌سرعت به‌عنوان بازیگرانی فعال در صحنه ظاهر شدند و در کنار سایر نیروهای سیاسی و اجتماعی به‌نوسازی تشکیلاتی خود پرداختند.

در این میان مهم‌ترین نمود و جلوه فعالیت نوسلفی، به‌حوزه سوریه مربوط می‌شود. اسلام‌گرایان سلفی جهادی در سوریه که طی سال‌های گذشته با ورود دولت مواجه شده بودند، با وقوع تحولات و اعتراضات داخلی در سوریه که با ورود بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به بحرانی غامض و پیچیده در منطقه تبدیل شد، فرصت را مناسب تشخیص دادند و درصدد فعالیت سیاسی بیشتر برآمدند. علاوه بر آن، موج جدیدی از پیکارجویان سلفی خارجی روانه سوریه شدند و با تشکیل گروه‌های جهادی، معادلات میدانی را دچار تغییر جدی کردند.

در حال حاضر با گذشت بیش از پنج سال از بحران سوریه، گروه‌های مختلف نوسلفی داخلی و خارجی در نبردهای این کشور حضور پیدا کرده‌اند و نسبت به گروه‌های دیگر توفیق بیشتری داشته‌اند. در این میان، مهم‌ترین نماینده گفتمان نوسلفی‌گری در سوریه را گروه‌های جبهه فتح الشام (جبهه النصره سابق)، داعش، أحرار الشام و جیش الاسلام تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها تحت‌تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و رویکرد جهادگرایانه سید قطب و نظریه‌پردازان جدید جریان نوسلفی از جمله ابو عبدالله المهاجر، ابو مصعب السوری، ابوبکر ناجی و محمد بن عبدالله قرار گرفته و با حمایت و پشتیبانی برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به جریان‌های مؤثر و فعال داخلی در بحران سوریه تبدیل شده‌اند.

گروه‌های نوسلفی حاضر در سوریه اهداف، دیدگاه‌های اعتقادی، انگیزه و خواسته‌های متفاوتی دارند. داعش، هدف خود را سرنگونی بشار اسد و تشکیل دولت اسلامی در سراسر سرزمین‌های اسلامی اعلام نموده است، سایر گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه نیز هدف خود را سرنگونی نظام سوریه و برپایی دولت اسلامی مطابق با اصول گفتمان نوسلفی‌گری در سوریه معرفی کرده‌اند.

در این بین هدف مشترک تمامی گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه، سرنگونی بشار اسد و علویان است؛ به اعتقاد آنها علویان رافضی هستند و از همین رو برای سرنگونی حکومت آنها، جهاد ضروری است. در این میان، مجموعه اقداماتی که توسط گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه سازماندهی و اجرا می‌شود باعث پیچیدگی، تشدید و تداوم بحران و گسترش جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی و تسری آن به بررسی مرزهای این کشور شده است.

نکته حائز اهمیت پیدایش نوسلفی‌های حاضر در سوریه این است که آنها به شدت مخالف ایدئولوژی شیعی ایران در منطقه هستند. بدون تردید ایران شیعی از یک سو به دلیل اختلافات ایدئولوژیک و از سوی دیگر حمایت از بشار اسد، یکی از مهم‌ترین دشمنان گروه‌های نوسلفی به‌شمار می‌آید. علاوه بر آن، با توجه به تداوم جاری در سوریه و با عنایت به این نکته که جنگ نوسلفی‌ها در این کشور عملاً جنگ غیرنظامی تفرقه‌انگیز شده و نبرد با جمهوری اسلامی ایران و حزب الله بخشی از راهبرد جریان‌های نوسلفی در سوریه دنبال می‌شود، این مسئله در بلندمدت می‌تواند دغدغه‌ای اساسی برای امنیت ملی ایران محسوب شود. و هم‌زمان عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را در منطقه به چالش بکشاند. علاوه بر آن، گروه‌های نوسلفی در سوریه نشان داده‌اند که برای رسیدن به قدرت و غلبه بر «دگر» خود یعنی شیعه و سرکوب و طرد آن حاضر به همکاری گسترده با «دگر» اصلی خود یعنی غرب یا به تعبیری «صلیبیون» هستند در همین راستا، شناخت و پیگیری ماهیت گفتمان نوسلفی‌گری از نقطه نظر منافع حیاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بسیار است.

به‌طور کلی، کتاب حاضر به دنبال پاسخ به چهار پرسش عمده و اساسی است: ۱. ریشه‌های گفتمان نوسلفی‌گری سوریه از چه زمانی شکل گرفت؟ ۲. گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه کدامند؟ ۳. ماهیت، ساختار تشکیلاتی، اهداف و راهبردهای این گروه‌ها به چه شکل است؟ و ۴. دلایل ثبات و تزلزل گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه چیست؟

به منظور پاسخ به پرسش‌های فوق، مطالب کتاب در پنج فصل سازماندهی و تنظیم شده است: فصل اول تحت عنوان «چارچوب نظری» به بررسی چیستی و هستی مفهوم گفتمان و مفاهیم و مؤلفه‌های اساسی نظریه گفتمان لاکلا و موف می‌پردازد. فصل دوم تحت عنوان «سیر تکوینی گفتمان نوسلفی‌گری»، پس از بررسی موج‌های پنج‌گانه سلفی‌گری و نظریه‌پردازان آن به مهم‌ترین

اصول نظری و عملی گفتمان نوسلفی‌گری پرداخته می‌شود. در فصل سوم با عنوان «تبارشناسی نوسلفی‌گری در سوریه» به ریشه‌های گفتمان نوسلفی‌گری سوریه از قرن بیستم تا مهاجرت پیکارجویان جهادی خارجی به سوریه پس از بحران سال ۲۰۱۱ میلادی اشاره می‌شود. فصل چهارم تحت عنوان «گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه» به نحوه شکل‌گیری، ساختار تشکیلاتی، اهداف و راهبردها، کانال‌های تأمین منابع مالی و جنایت‌های گروه‌های نوسلفی فتح الشام (جبهه النصره)، داعش و گروه‌های عضو جبهه اسلامی و جیش الفتح پرداخته می‌شود. فصل پنجم با عنوان «عوامل ثبات و تزلزل گفتمان نوسلفی‌گری در سوریه» به عوامل رشد و ثبات و دلایل تزلزل و بی‌قراری گفتمان نوسلفی‌گری در سوریه اشاره خواهد شد. بخش پایانی کتاب نیز به نتیجه‌گیری و بیان یافته‌های پژوهش حاضر دارد.

در پایان به صدان «لا یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» شایسته است از زحمات جناب آقای دکتر قدیر نصرانی برای نگارش مقدمه کتاب و مسئولان محترم پژوهشکده مطالعات راهبردی به‌ویژه جناب آقای دکتر محمود رزاق‌فام که زمینه انتشار این اثر را فراهم ساختند صمیمانه تشکر نمایم. بی‌تردید نویسنده، کتاب حاضر را از ضعف و کاستی نمی‌داند و به همین دلیل دیدگاه‌ها، نظرات و پیشنهادات پژوهشگران و کارشناسان متخصص این حوزه را موجب غنای این پژوهش و راهگشای پژوهش‌های علمی آینده خود می‌داند.

سیدعلی نجات

بهار ۱۳۹۶